

## گزاره‌های حقوق بشر از منظر فقه اسلامی

\*ابراهیم باقری

پس از آفرینش انسان و پیدایش گل سر سبد خلقت، سخن از حقوق و حقوقی که از جانب حضرت حق برای وی در نظر گرفته شده نیز به میان می‌آید و به ویژه بعد از آن که زندگی مدنی و اجتماعی خود را تشکیل داد این مسأله اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند.

از مسائل مهم و حیاتی که از حقوق بنیادین بشر به حساب می‌آید بحث از کرامت انسان است که پروردگار جهان با عبارتی زیبا و پر معنا در کلام نورانی خویش قرآن کریم آن را به جهانیان اعلام نمود: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»<sup>۱</sup> ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم؛ این سخن با شیواترین بیان کرامت ذاتی انسان را بیان می‌دارد. کرامتی که در آن گویش و گرایش نقشی ندارد؛ رنگ و جغرافیا و مکان دخالتی ندارد، جنسیت و طبقات اجتماعی موجب تبعیض آن نمی‌گردد و قبایل و طوایف گوناگون با هر رنگ و نژادی و در هر کجای پهنه گیتی و با جنسیت‌های گوناگون اعم از زن و مرد و از دهکهای مختلف اجتماعی با هر شغل و در آمدی به طور مساوی از آن متمتع و بهره‌مندند.

در کنار آن و به عنوان متمم، کرامت دیگری نیز برای انسان در کلام الهی مطرح شده است که گاه از آن به «کرامت اکتسابی، و گاه به «کرامت ارزشی» یا «کرامت انسانی - الهی» تعبیر می‌شود یعنی کرامتی که انسان با تلاش و کوششی خویش و با مجاهده و سخت کوشی خود می‌تواند به آن دست یابد.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»<sup>۲</sup>

ای مردم شما را از یک زن و مرد آفریدیم و شما را شعبه‌ها و قبیله‌های گوناگون قرار دادیم تا یکدیگر را به واسطه همین تفاوت‌های ظاهری باز شناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند پارسا ترین شماست.

با عنایت به آنچه گذشت و با توجه به پیشینه مفاهیم و گزاره‌های حقوقی بشری در حقوق اسلام و قانون اساسی آن قرآن کریم، اصل قرار دادن اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی و مقایسه احکام و آموزه‌های اسلام با آن جفا به اسلام و خاتم پیامبران و در نهایت ظلم و ستم به شارع مقدس و پروردگار جهان است.

اگر اسلام بیش از هزار و چهار صد سال قبل ندای کرامت انسان سر می‌دهد، اعلامیه جهانی حقوق بشر که در مواد 1، 2، 5، 6، 12 و... خود به این امر اشاره نموده است در 10 دسامبر 1948 در سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است میثاق‌ها و کنوانسیون‌های دیگر نیز پس از اعلامیه مزبور به تصویب رسیده است نظیر میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب 16 دسامبر 1966؛ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب 1968؛ کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید، مصوب 30 نوامبر 1973.

<sup>1</sup> اسراء / 70

<sup>2</sup> حجرات / 13

بنابراین غرب باید خود را وام دار اسلام بداند نه این که از موضع طلبکارانه و تحکم با ما سخن بگوید زیرا آن چه را که حقوق واقعی بشر است از اسلام اقتباس نموده و آن چه را اسلام نپذیرفته اوهامی است که غربی ها گمان نموده اند حقوق بشر است حال آن که نه تنها حقوق انسان محسوب نمی شود بلکه سم مهلکی است که دودمان بشر را به نابودی می کشاند.

فقه اسلامی و نگین درخشان آن، فقه پویای امامیه نیز با مدد از آموزه های اسلامی و منابع غنی و سرشار آن، زوایای امر را مبرهن ساخته و برای تشنگان زلال ناب احکام الهی، گزاره های مزبور را به خوبی تبیین نموده اند.

برخی گمان نموده اند در زمینه های مسائل مربوط به حقوق بشر، اسلام راهی و فقه مسیر دیگری را انتخاب نموده و یافته های فقیهان در پاره ای موارد منطبق برخواسته های اسلام نیست از این رو گفته اند: «من اسلام را با حقوق بشر و دموکراسی مغایر نمی دانم اما فقه ممکن است در برخی جاها با این رویه ها مغایرت و تباین داشته باشد».<sup>3</sup>

ضمن احترام به گوینده سخن فوق، لازم است در پاسخ به این مطلب، نکاتی را یاد آور شوم واژه هایی همچون حقوق بشر و «دموکراسی» از کلماتی هستند که تفسیرهای گوناگون را بر می تابند اگر مقصود از حقوق بشر همان است که در اسنادی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده باید گفت: برخی موارد آن در تناقضی آشکار با معتبرترین منابع اسلام قرار دارد به عنوان مثال در ماده 16 اعلامیه مزبور می خوانیم: «هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ گونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با یکدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی هستند».

بر اساس ماده فوق الذکر زن مسلمان حق دارد با مرد غیر مسلمان چه اهل کتاب و چه غیر اهل کتاب ازدواج کند و یا مرد مسلمان با زن غیر مسلمان پیمان ازدواج ببندد حال آن که قرآن کریم به صراحت می فرماید:

«وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَنَّ...»<sup>4</sup>

با زنان مشرک تا زمانی که ایمان نیاورده اند، ازدواج نکنید.

و یا می فرمایند: «...وَلَا تُمَسِّكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ...»<sup>5</sup>

زنان کافره را نگهداری نکنید، نیز به صراحت ازدواج زنان مسلمان را با مردان غیر مسلمان (مشرک) ممنوع ساخته است: «...وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ...»<sup>6</sup> با مردان مشرک ازدواج نکنید. بر همین اساس نیز ماده 1059 ق. م ایران مقرر می دارد:

<sup>3</sup> محمدسیف زاده، ضمیمه روزنامه اعتماد، دوشنبه، 23، آذر 1388

<sup>4</sup> بقره / 221

<sup>5</sup> ممتحنه / 10

<sup>6</sup> بقره / 221

«نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست».

هم چنین بر اساس ماده مزبور ریاست خانواده از خصائص شوهر به حساب نمی آید در حالی که به تصریح قرآن مجید این حق اختصاص به شوهر دارد:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...»<sup>۷</sup>.

به همین جهت در ماده 1105 قانون مدنی نیز که بر اساس شریعت اسلامی و فقه امامی تدوین یافته است مقرر می دارد: در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است.

فقیهان نیز در موارد فوق همان گونه که قرآن کریم تصریح نموده، فتوا داده اند بنابراین در این گونه موارد نه فقه با برداشت غرب از حقوق بشر سازگاری دارد و نه اسلام.

و اگر مقصود از حقوق بشر، دریافتی است که اسلام از این واژه دارد با فقه نیز سازگار نیست زیرا فقیهان نیز بر طبق متدی روشن و چهار چوبی مبرهن فتوا می دهند زیرا همان گونه که هر آشنا به مسائل فقهی می داند، مهم ترین منابع استنباط عبارتند از کتاب «قرآن» - سنت (روایات معصومین - علیهم السلام -)، اجماع، عقل، و سیره و روش عقلاء. اسلام منهای کتاب و سنت را که نمی توان اسلام نام نهاد، اجماع فقیهان مسلمان و به ویژه فقیهان امامیه نیز بر خلاف کتاب و سنت غیر قابل تصور است. عقل نیز در مواردی که شارع مقدس حکمی را بیان فرموده، کارایی ندارد. حجیت و اعتبار سیره عقلایی نیز منوط به تجویز آن از سوی شرع است، در ماده اول اعلامیه آمده است تمام هم افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند...» ظاهر این ماده نیز در برخی موارد با نص کلام خدا در تعارض و تضاد است لازمه این سخن تساوی ظاهری حق ارث زن و مرد در همه زمینه هاست، حال آنکه به نص آیه شریفه «...فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَّيْنَ...»<sup>۸</sup> سهم الارث جنس مذکر دو برابر جنس مؤنث است فقیهان اسلام نیز بر همین اساس فتوا داده اند.

توجیهاتی که بر خلاف ظاهر آیه از سوی برخی روشنفکران ارایه می شود نیز توجیهاتی است به یقین مورد رضایت صاحب سخن نیست و اصولاً کلام نص و صریح نیازی به تفسیر ندارد و نباید قرآن را به نفع برداشت های شخصی خویش مصادره کنیم و به تعبیر برخی از بزرگان شرط استفاده از قرآن این است که انسان با اصول پیش ساخته و پیش فرض های بشری به خدمت قرآن نیاید تا قرآن را مهمان اصول موضوعه خود قرار دهد و آنها را بر قرآن تحمیل کند»<sup>۹</sup>

بخش پایانی ماده 908 قانون مدنی ایران نیز مقرر می دارد: «اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آنها پسر و بعضی دختر، پسر دو برابر دختر می برد» در ذیل ماده 911 نیز آمده است: در تقسیم بین افراد یک نسل، پسر دو برابر دختر می برد» مشابه مفاد فوق را می توان در مواد 920، 923، 924 و... نیز می توان مشاهده نمود.

<sup>7</sup> نساء / 34

<sup>8</sup> نساء / 11

<sup>9</sup> آیت الله جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج 1، ص 60

وی در بخش دیگری از سخنان خود گفته است: «برای ما شیعیان مسلمان پس از قرآن بهترین کتاب نهج البلاغه است از باب الگو برداری در حکومت. مگر علی - علیه السلام - در زمان خود به مالک اشتر نمی گوید: «ای مالک انسان هایی که تو بر آنها حکومت می کنی یا در دین با تو شریکند یا در خلقت» و مگر همین مضمون در ماده 956 قانون مدنی ما لحاظ نشده است. مگر گرفتن خلخال از پای دختر یهودی علی - علیه السلام - را آن گونه بی تاب نمی کرد. آیا اقلیت ها در حکومت علی - علیه السلام - تفاوتی داشتند»<sup>10</sup>.

در این باره باید گفت اقلیت هایی که شرایط زندگی در جامعه اسلامی را پذیرفته اند، نه تنها نباید از جانب حکومت مورد تعدی و ستم قرار گیرند بلکه در صورتی که از ناحیه دیگران نیز مورد ظلم شوند حکومت اسلامی موظف به حمایت از آنان است. در عین حال این به معنای برابری آنان با مسلمانان در همه امور نیست. در روایات معتبری آمده است که کافر یا مشرک از مورث مسلمان خود ارث نمی برد.<sup>11</sup> و یا این که: یهودی و مسیحی از مسلمان ارث نمی برند.<sup>12</sup> و یا به تصریح قرآن کریم غیر مسلمانان حق حکمرانی و فرمانروایی بر مسلمانان را ندارند هر چند در یک جامعه زندگی کنند «...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»<sup>13</sup>. هرگز سلطه کافران بر مسلمانان را نمی پذیرد.

بنابراین نمی توان گفت بین گزاره های حقوق بشری مورد پذیرش اسلام و گزاره های مورد پذیرش غرب تساوی وجود دارد بلکه این نسبت عموم و خصوص من وجه است یعنی در عین حال که مشترکاتی وجود دارد، وجوه افتراقی نیز یافت می شود. و اگر گاه تعبیر به حقوق بشر اسلامی می شود بخشی مورد اختلاف میان اسلام و غرب است که طرفین نسبت به آن دیدگاه متفاوتی دارند.

تفاوت میان این دو دیدگاه نیز امری طبیعی و منطقی است زیرا اسلام از دیدگاهی وحیانی و ماوراء الطبیعه ای به قضیه می نگرد و قانون گذار آن حکیم علی الاطلاق است که بر زوایای گوناگون وجودی انسان احاطه و اشراف کامل دارد و وجوه اشتراک و افتراق آنان را با توجه به آگاهی همه جانبه خویش می داند و حقوق متناسب با آن را مقرر می دارد که برخی مشترک و برخی اختصاصی خواهد بود. اما زاویه نگاه غرب، زاویه ای تجربی و مبتنی بر شناخت محدودی است که از انسان دارد و همین محدودیت در شناخت موجب گشته است تا همه را یکسان بنگرد و از تفاوت های اصناف مختلف آن غافل بماند.

و بر طبق اصل چهارم قانون اساسی نمی توان قوانین خلاف مقررات اسلام را پذیرفت این اصل مقرر می دارد: «کلیه قوانین و مقررات مدنی»، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است».

<sup>10</sup> سیف زاده، همان

<sup>11</sup> الکافی، ج 7، ص 143، تهذیب الاحکام، ج 9، ص 366، وسائل الشیعه، ج 26، ص 13، 12

<sup>12</sup> همان

<sup>13</sup> نساء / 141

مبحث دیگری که در سخن گوینده مزبور مورد بررسی واقع شده مسئله غیر قانونی بودن دادگاههای انقلاب است. ایشان می گویند: به نظر ما و در سیستم حقوقی ما و مطابق قانون، دادگاه های انقلاب جایی ندارند».

به نظر اینجانب که هم دانش آموخته حقوقم و هم سالها در مباحث فقهی تحقیق و تفحص داشته ام در اظهار نظر پیرامون برخی مسائل بین دو امر خلط می شود یکی عملکرد یک مجموعه و دیگری ماهیت و هویت آن مجموعه. مثلا برخی اوقات گفته می شود: چون آمریکا خود را معتقد به لیبرالیسم غرب می داند و مرتکب این همه جنایت می شود پس معلوم می شود بنیان این مکتب بر جنایت کاری بنا نهاده شده است.

حال آن که با اندکی تأمل روشن می شود سخن مزبور به دور از صواب است. عملکرد نادرست یک فرد یا یک کشور را به هیچ وجه نمی توان آینه تمام نمای درستی یا نادرستی یک مکتب به حساب آورد چه بسا فرد یا کشوری در ظاهر خود را پایبند به مکتبی بدانند لیکن در مرحله عملی منویات خویش را هر چند بر خلاف مکتب مزبور باشد به منصفه ظهور رسانند هم چنان که گاه برخی اعمال از مسلمانان سر می زند که روح اسلام از آن متنفر و بی زار است پس نادرستی کار یک مسلمان را نباید به منزله بی اعتباری و ناروایی اسلام دانست. در مورد دادگاههای انقلاب نیز همین امر می تواند مصداق داشته باشد ممکن است یک قاضی و حتی رئیس دادگاه انقلابی مرتکب خطا و یا تقصیری شود و فردی را به ناحق اعدام، شکنجه و یا زندانی کند اما عمل این فرد را نباید با ناخلف بودن اصل دادگاه یکی دانست.

درست است که در اصل یک صد و هفتاد و دوم قانون اساسی به دادگاه انقلاب اشاره ای نشده است اما با توجه به این که طبق اصول نود و یکم و نود و ششم قانون اساسی مرجع تشخیص مغایرت و عدم مغایرت قوانین عادی قانون اساسی، شورای نگهبان است و قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی انقلاب و نیز قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب به تأیید شورای مزبور رسیده، معلوم می شود از نگاه آنان که تنها مرجع قانونی تشخیص این امر می باشند، مخالف قانون اساسی نیست.

از یکی از آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور نیز می توان قانونی بودن دادگاه انقلاب را به دست آورد. در بخشی از رأی شماره 581 - 1371/12/2 آمده است: «دادگاه های انقلاب اسلامی که به فرمان مبارک امام راحل رضوان الله علیه و مصوبه بیست و هفتم خرداد ماه 1358 شورای انقلاب تشکیل شده اند بر طبق اصل یک صد و شصت و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تحت نظارت دیوان عالی کشور به جرایمی که در اصل چهل و نهم قانون اساسی و قانون حدود صلاحیت دادرسیها و دادگاههای انقلاب مصوب یازدهم اردیبهشت ماه 1362 مجلس شورای اسلامی معین شده رسیدگی می نمایند و صلاحیت آنها نسبت به صلاحیت دادگاههای عمومی دادگستری اعم از حقوقی و کیفی از نوع صلاحیت ذاتی است...».

در پایان با سپاس از همه کسانی که در مسیر اعتلای ایران زمین گام بر می دارند و به ویژه آنان که از حوزه مسائل حقوقی تلاش می کنند، آرزوی وافر دارم خداوند به همه این توفیق را عنایت فرماید تا در این راه از جاده عدل و انصاف پای بیرون ننهیم.